

B.A.(Part-II) Examination
PERSIAN LITERATURE
(Optional Subject)
(Literature of Classical Languages)

Time : Three Hours]

[Maximum Marks : 100

- یادداشت: (۱) همه پرسش‌ها لازمند-
(۲) پاسخ‌ها به زبان فارسی یا اردو یا انگلیسی یا هندی بنویسید-

سوال نمبر- (A) از اقتباس‌های زیر دو تا را توضیح بدید: 15

(الف) گفت متاسفانه جنگ و آدم کشی هم شکار است- اگر آدم اولی مثل خودی را می‌کشت و می‌خورد، از ناچاری بود، باستی زنده بماند- اما من و شما که جنگ و شکار میکنم، برای تفریح و بنا بر هوس است نه از روی احتیاج- انسان ترکیبی است از خوبی و بدی، از رحم و بی‌رحمی- همان طور که بعضی از مهربانی و دنگیری لذت می‌برند، بعضی از آزار کردن و زجر دادن و کشتن خطی‌کنند- جنگ و شکار، هوس و لذت مردی است که بی‌رحمی را عادت و مشغله فکری خود قرار داده‌اند-

(ب) گفت همان طور که مادر از بچه با مواظبت می‌کند، منم متصل بگل‌های باغچه‌سری زخم و بحال‌شان می‌رسم- نمی‌گذارم تشنگی و بی‌ناوشی بکشد- گل را باید نوازش داد- باید با گل حرف زد و از این همه تشنگی درنگ و بوتعریف کرد تا بداند که دوست و عاشق دارد تنها نیست- حتی با اهل خانه دایم از خوبی گل می‌گویم که همه را گل‌باز کنم- دور و ز پیش، در آن باغچه، گل‌زیبای شکفته بود، رفتم و در پایش نشستم، نازش می‌کردم و برایش آوازی خواندم- او هم بخاطر من، هر آن شکفته تر و شگفتی‌تر شد و مهربانی‌های کرد- با هم قرار با گذاشتیم و عهد‌های صفا و وفا بستیم و شب از هم جدا شدیم-

(ج) گویی آشیانه دل خراب من باشد، آهسته در را باز کردم و او وارد شد- نقاش جوان، نگاه خسته‌ای بمن کرد و سلام مرا جواب بریده‌ای داد و بکار خود مشغول شد- از آن نگاه شنیدم که گفت چرا آمدی مرا آزار کنی- تو یا فقیری یا ثروتمند، اگر فقیری که پرده نقاشی نمی‌خری، اگر ثروت داری که استادان خوب رای شناسی و از من و از این دکان حقیر چیزی نخواهی خرید- ابله دل هم نیستی تا بدانی این قلم‌ها که من بجان خود زده‌ام و این رنگ‌ها که از خون و اشک خودم ساخته‌ام چه قیمتی دارد-

خلاصه یکی از حکایت‌های زیر را بنویسید: (B) 10

- (۱) حکایت اسکافی
(۲) حکایت سلطان محمود
(۳) حکایت فرخی سیستانی

10

سوال نمبر ۲۔ (A) از شعرهای زیر پنج تا را ترجمه مع شرح کوتاه تحریر کنید:

- (۱) نه مهر دوست خواهم نه کین دشمنان را
یک جور دوست دارم بی مهر و مهربان را
- (۲) آواز کیست رهبر دروادی محبت
طوفان بود معلم دریای نیکران را
- (۳) مقربان همه بیگانه اند برادر دوست
غرور بود که نامش آبشایی رفت
- (۴) هرگز مگو که کعبه ز بتخانه خوشتر است
هر جا که هست جلوه جانانه خوشتر است
- (۵) کردم ز شکوه منع زار خویش را
انداختم بروز جزا کار خویش را
- (۶) صد مشتریست جنس دلم را چو آفتاب
من گرم میکنم تو بازار خویش را
- (۷) از کف نمی دهد دل آسان ر بوده را
دیدیم زور بازوی نا آزمود را
- (۸) بافسون موم آهن کردن آسان تر از آن باشد
که از کین بر سر مهر آوری نامهربانی را

15

(B) از اقتباس های زیر دو تا را ترجمه کنید :

- (۱) مرا گفت ای ستمگاره بجانم
یکام حاسدم کردی و عاذل
چه دانم من که باز آیی تو نانه
بدان گاهی که باز آید تو اافل
دو ساعد را حمایل کرد بامن
فرو آویخت از من چون حمایل
ترا کامل همی دیدم بهر کار
و لیکن نیستی در عشق کامل
- (۲) چو نزدیک گشتند، پیر و جوان
دو شیر سرافراز و دو پهلوان

خروش آمد از باده هر دو مرد
 تو گفتی بدرید دشت نبرد
 چنین گفت رستم به آواز سخت
 که : ای شاه شادان دل و نیک بخت
 اگر جنگ خواهی و خون ریختن
 برین گو نه سختی بر آویختن
 (۳) پاینده باش زارع بدبخت رنجبر
 ای آنکه زندگانی ما در بقا تست
 بدبخت خواند مت بخطا عذر من پذیر
 خوش بخت زیر سایه همچون همای تست
 در نزد خلق اگر چه گدایی و بی نوا
 در چشم من تو شاهی و سلطان گدای تست
 یک دانه زیر دست تو صد دانه میشود
 هر شانه ای که روید از آن از دعای تست

سوال نمبر ۳- (A) خصوصیات سبک ہندی یا سبک دور بازگشت را بنویسید۔ 10

(B) گذارش مختصری در بارہ احوال و آثار یکی از شعرا ی زیر را بنویسید : 10

(۱) صایب تبریزی

(۲) غالب دہلوی

(۳) قاضی شیرازی

سوال نمبر ۴- (A) یکی از اقتباس های زیر را ترجمہ کنید : 10

(الف) سدیدالدین محمد بخاری در مؤلف خود آورده است کہ خواجه نظام الملک در ہرات و بغداد و بصرہ و اصفہان و دیگر بلدان بقاع خیر و ابواب بر طرح انداختہ بہ اتمام رسانید۔ و از آن جملہ در بغداد مدرسہ ساخت کہ آن را ”نظامیہ“ می گفتند۔ و آن مدرسہ شریفہ در غایت یمن و برکت بود۔ چہ ہیچ کس از طلبہ در آن بقعہ تحصیل نہ نمود کہ از فنون و علوم بہرہ ور نہ گشت۔ و بسیاری از اعظم علما در آن مدرسہ ساکن گشتہ بہ درس و افادہ قیام فرمودند، مثل حجۃ الاسلام غزالی و ابواسحاق شیرازی۔

(ب) خلاصہ کلام ابراہیم بیست سالہ بود کہ پدرش وفات کرده در دم واپسین پسرش رابزبانی کہ از چنان پدری سزاوار است مخاطب داشته این گونه وصیتش میکند کہ "ای فرزند گرامی! آنچه وظیفہ پدری بودن در بارہ تو ادا کردم، بعلادہ زبان ہای ملی و مادر زاد السنہ خارجہ و فنون متداولہ کہ امثال ترا در کار و امروزہ ہنرمردا ست بتو تعلیم دادم، و ہمہ را باقتضای زکاوت فطری بہ نیکوئی یاد گرفتی و در پاکی اخلاق و عفت و دیانت تو نیز حمد خدای را، حرفی نیست، در این خصوصیات من از تو خوشنود و راضی ہستم خدای از تو راضی باشد، ولی اکنون کہ شمع حیات من نزدیک بخاموشی است - چند وصیت، تو دارم درست گوش کن تا راستگار دو جہان باشی -

(B) جہای خالی را پر کنید:

10

- (۱) معاصر شاہ طہماسب بود۔ (کلیم کاشانی، مختشم کاشانی، حافظ شیرازی)
- (۲) در عہد اکبر شاہ گورگانی شاعران از ایران بہندوستان رفتند (۶۱، ۵۱، ۴۱)
- (۳) کلیم کاشانی ملک الشعراء است۔ (اکبر، جہانگیر، شاہجہان)
- (۴) شیخ علی حزیں بسال وفات یافت۔ (۱۱۸۰، ۱۲۸۰، ۱۳۸۰)
- (۵) کسی کہ کمال باو تمام شد محمد علی صاحب تبریزی است۔ (سبک عراقی، سبک مشروط، سبک ہندی)
- (۶) کلید و دمنہ بقلم نوشتہ۔ (فیضی، نظام الدین، ابوالفضل)
- (۷) مؤلف مجاہد المومنین است۔ (قاضی نور اللہ شوستری، غیاث الدین، ابوالفضل)
- (۸) فرہنگ رشیدی تالیف عبدالرشید الحسینی معاصر بود۔ (شاہجہان، سلطان محمود، اورنگ زیب)
- (۹) تذکرہ شاہ طہماسب صفوی بقلم خود نوشتہ۔ (شاہ اسمعیل، شاہ طہماسب اول، شاہ عباس)
- (۱۰) فرہنگ جہانگیری تالیف را باید کرد۔ (جمال الدین عراقی، جمال الدین حسین انجو، ابوالفضل)

سوال نمبر ۵۔ صنایع ادبی زیر را تعریف مع امثال بکنید۔ (ہج چہار)

10

- ۱۔ تشبیہ
- ۲۔ استعارہ
- ۳۔ تلمیح
- ۴۔ مبالغہ
- ۵۔ تضاد
- ۶۔ حسن تعلیل
- ۷۔ سیاقۃ الاعداد